

مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مظفر علی‌کرمی**

جواد تقی‌زاده*

چکیده

رئیس‌جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را عهده‌دار است. مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی با ابهاماتی در نظام حقوقی ایران مواجه است. به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور مسئول اجرای کلیت قانون اساسی است به استثنای اموری که رهبری "مباشرتا" انجام می‌دهد. مسئولیت اجرای قانون اساسی اعم از وظیفه اجرای قانون اساسی و پاسخگویی در قبال اجرای آن است. به منظور انجام این مسئولیت، رئیس‌جمهور دارای اختیارات قانونی است.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت، اجرا، نظارت، رئیس‌جمهور، قانون اساسی.

۱. مقدمه

اصل ۱۱۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "پس از مقام رهبری رییس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

jtaghizadehd@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تربیت مدرس alikharmi352@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۹

مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد". لذا رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. اما پرسش این است که منظور از مسئولیت اجرای قانون اساسی چیست زیرا قانونگذار اساسی از واژه مسئولیت در اصول مختلف قانون اساسی معانی متفاوتی را اراده کرده است. آیا مسئولیت اجرای قانون اساسی به معنای وظیفه اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور است، به معنای پاسخگویی رئیس جمهور در قبال اجرای قانون اساسی است و یا معنای دیگری مورد نظر قانونگذار اساسی بوده است؟ به هدف تبیین مفهوم مسئولیت رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ قانون اساسی تعیین دایره مسئولیت اجرای قانون اساسی ضروری است. آیا رئیس جمهور مسئولیت اجرای تمام امور مذکور در قانون اساسی حتی اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود را عهده دار است، یا اجرای امور مربوط به قوه مجریه و وظایف خاص ریاست جمهوری بر عهده اوست و یا اجرای تمام امور مذکور در قانون اساسی به استثنای اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده رئیس جمهور است؟ پذیرش هر یک از نظریات فوق مفهوم متفاوتی از مسئولیت اجرای قانون اساسی را نتیجه می‌دهد.

زمینه اولیه سپردن مسئولیت اجرای قانون اساسی به رئیس جمهور را می‌توان در اصل ۷۵ پیش نویس قانون اساسی (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۱۳) مشاهده نمود که وی را بالاترین مقام رسمی کشور می‌دانست. در یک نگاه تطبیقی به نظر می‌رسد که اصل مذکور مقتبس از ماده پنجم قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه است که اعلام می‌دارد: "رئیس جمهور مراقب اجرای قانون اساسی است" (هاشمی، ۱۳۸۱: ۲۸۴-۲۸۵). برغم اینکه در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مقام رهبری بالاترین مقام رسمی کشور تعیین شد و بسیاری از کارویژه‌های پیش بینی شده برای رئیس جمهور به مقام رهبری واگذار گردید، مسئولیت اجرای قانون اساسی همچنان برای رئیس جمهور باقی ماند^۱. رئیس جمهور که مظهر حاکمیت ملی و همه اختیاراتش ناشی از رای مردم است به نمایندگی از ملت مسئولیت اجرای قانون اساسی را عهده دار شده است. مهم‌ترین، سنگین‌ترین و پردامنه‌ترین وظیفه رئیس جمهور، مسئولیت اجرای قانون

اساسی است (مدنی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). اما در هیچ یک از اصول قانون اساسی کیفیت این وظیفه و مراحل آن و اقداماتی که رییس جمهور می‌تواند برای انجام این مسئولیت به آنها متوسل شود تعیین نشده است (مدنی، ۱۳۶۹: ۱۸۳). لذا حیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با برداشت‌های متفاوت مقامات عالی سیاسی از مسئولیت اجرای قانون اساسی مواجه گردیده است. نامه آقای بنی صدر به شورای عالی قضایی و نامه شورای عالی قضایی به شورای نگهبان (مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیری و مشورتی درباره قانون اساسی، ۱۳۸۱: ص ۳۰۳-۳۰۵)، نامه آقای بنی صدر به شورای نگهبان (همان: ۲۰-۲۲)، نامه‌های آیت اله خامنه ای به شورای نگهبان (همان: ۷۹-۸۰)، نامه آیت اله هاشمی شاهرودی به آقای سید محمد خاتمی (همان: ۳۰۳-۳۰۵)، نامه آقای احمدی نژاد به شورای نگهبان در مورد مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی، نامه آقای احمدی نژاد به آقای علی لاریجانی در مورد مغایرت برخی از مصوبات مجلس هشتم با قانون اساسی و پاسخ آقای لاریجانی به وی مصادیق مناسبی برای برداشت‌های متفاوت مقامات سیاسی از مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور می‌باشند. لذا مفهوم پاسداری اجرایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط رییس جمهور همواره با ابهام و چالش جدی همراه بوده است. مراجعه به مذاکرات قانونگذاران اساسی در زمان تدوین و بازنگری قانون اساسی جهت کشف مراد قانونگذاران اساسی از پیش بینی مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رییس جمهور کمک نمی‌کند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۲۰۹-۱۲۱۰)^۲. لذا به منظور دستیابی به مفهوم دقیق مسئولیت اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابتدا مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی در نظریات شورای نگهبان و سپس مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی در نظریات حقوقدانان بررسی می‌شوند.

۲. مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی در نظریات شورای نگهبان

مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی در نظریات شورای نگهبان در مقام مفسر

قانون اساسی و در مقام دادرس قانون اساسی و در سایر نظریات شورای نگهبان بررسی می‌گردد.

۱-۲. در نظریات شورای نگهبان در مقام مفسر قانون اساسی

شورای نگهبان تاکنون سه نظریه تفسیری از اصل ۱۱۳ قانون اساسی ارائه کرده است.

الف) آقای ابوالحسن بنی صدر نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران در راستای ایفای مسئولیت اجرای قانون اساسی، وقتی از تصویب دستورالعملی توسط شورای عالی قضایی مطلع می‌شود که در آن شورای مذکور برای بعضی از اعمال مجازات تعیین کرده بود در حالی که تعیین جرم و مجازات به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی منحصر در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است به شورای عالی قضایی تذکر می‌دهد. شورای عالی قضایی با استناد به اصل ۱۵۶ قانون اساسی که نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف قوه قضائیه می‌داند این تذکر را بر نمی‌تابد و در نامه ای خطاب به شورای نگهبان خواستار اعلام نظر شورا در خصوص مفاد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و محدوده اختیارات ریاست جمهوری می‌گردد. شورای نگهبان در مقام پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی در نظریه تفسیری شماره ۶۸ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ بیان می‌کند: "رئیس جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد و منافات با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد" (شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۷-۹). این نظریه تفسیری پذیرفت که رییس جمهور می‌تواند به مجریان قانون اساسی حتی به قوه قضائیه در خصوص مطابقت یا مغایرت عملکردهای آنان با قانون اساسی اخطار یا تذکر دهد.

ب) شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۷۸۵ مورخ ۵۹/۱۱/۷ در پاسخ به تذکر آقای بنی صدر رئیس جمهور وقت به شورا به دلیل تایید مصوبه مجلس در مورد طرح قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی که رئیس جمهور برخی از مفاد آن را مغایر با قانون اساسی می‌دانست بیان می‌نماید: "تشخیص مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی طبق اصول ۹۴ و ۹۶ قانون مزبور با شورای نگهبان

است و رئیس جمهور در این خصوص وظیفه و مسئولیتی ندارد" (همان: ۲۲). طبق این نظریه تفسیری نظارت بر اساسی بودن مصوبات مجلس در صلاحیت انحصاری شورای نگهبان است و رئیس جمهور در این زمینه مسئول نیست. مسئولیت نظارت بر اجرای قانون اساسی توسط مجلس شورای اسلامی در مرحله وضع قانون با شورای نگهبان است و این نهاد می‌تواند مانع وضع قوانینی شود که مغایر با قانون اساسی است. با این نظریه تفسیری بین دو نوع نظارت بر اجرای قانون اساسی تفکیک ایجاد شد: نظارت تقنینی یا نظارت در مرحله وضع قانون که در صلاحیت شورای نگهبان است و نظارت اجرایی یا نظارت در مرحله اجرای قانون که در صلاحیت رئیس جمهور است. وقتی که قانون وضع شد رئیس جمهور موظف است که نوع اجرا را با قانون اساسی تطبیق دهد، وظیفه رئیس جمهور است که مواردی که پیش می‌آید با قانون اساسی مطابقت دهد تا اگر مغایرت دارد جلوگیری نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۲۶).

ج) شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱ که پیرو نامه آیت اله خامنه ای رئیس جمهور وقت در خصوص اظهارنظر در مورد تشکیل واحد بازرسی ویژه در دفتر ریاست جمهوری به منظور انجام مطلوب و ظایف مذکور در اصول ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی^۳ ارائه شده است بیان می‌نماید: "آنچه از اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ در رابطه با اصول متعدد و مکرر قانون اساسی استفاده می‌شود رئیس جمهور پاسدار مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد. در رابطه با این وظایف و مسئولیت ها می‌تواند از مقامات مسئول اجرایی و قضایی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظفند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهوری بگذارند. بدیهی است رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد اقدامات لازم را معمول دارد. بنابراین تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری با قانون اساسی مغایرت دارد" (شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۰). در این نظریه شورای نگهبان با صراحت بیشتری مسئولیت رئیس جمهور در قبال اجرای قانون اساسی توسط قوای مجریه، قضائیه و نیروهای

نظامی تایید شده است و پاسخگویی دستگاه‌های مذکور در برابر رئیس جمهور پذیرفته شده است. به علاوه، وظیفه پاسداری از مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی مصرح در اصل ۱۲۱ قانون اساسی تاکید بر این مهم است که مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور عام است و اجرای قانون اساسی توسط کل نهادهای حکومتی را شامل می‌شود. رییس جمهور سوگند یاد می‌کند تا از حقوق ملت در قانون اساسی حمایت کند که انجام این تعهد نیز جز از طریق صیانت از کلیت قانون اساسی ممکن نیست. این نظریه همچنین به وظیفه رئیس جمهور به انجام اقدامات لازم در صورت مواجهه با جریانات مخالف مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تصریح می‌کند. به نظر می‌رسد که برای آگاهی از جریانات مخالف قانون اساسی و برای انجام اقدامات لازم، نظارت و بازرسی ضروری است اما شورای نگهبان برغم پذیرش مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری را مغایر با قانون اساسی دانست. در واقع، "نتیجه گیری ذیل نظر شورای نگهبان با مقدمه آن تناسبی ندارد یعنی آن مقدمه و شرح وظیفه رییس جمهور در مراقبت از اجرای قانون اساسی و لزوم اقدامات لازم از سوی او خودبخود به خواننده این تصور را می‌دهد که قرار است نتیجه آن تجویز تشکیل یک واحد بازرسی برای تامین این منظور باشد. ولی شورای نگهبان بر خلاف این تصور نتیجه گرفت که با همه آنچه در مورد وظیفه و مسئولیت رییس جمهور گفته شد، رییس جمهور نمی‌تواند بازرسی ویژه در دفتر کار خود تشکیل دهد" (مهرپور، ۱۳۸۰: ۶۴). رییس جمهور وقت از این پاسخ شورای نگهبان که اصل وظیفه و اختیار را تثبیت می‌نمود اما ابزار آن را نفی می‌کرد قانع نشد و طی نامه ای به شورای نگهبان اعلام نظر مستند و مستدل شورا را خواستار شد که پاسخ کتبی دریافت نکرد (دولت رفتار حقیقی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۸). در صورت اصرار بر حفظ مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رییس جمهور باید پذیرفت که رییس جمهور مجاز به تاسیس تشکیلات یا سازمان لازم جهت بازرسی و نظارت بر چگونگی اجرای قانون اساسی است (ارشدی، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۶). انتظار آن نیست که رییس جمهور شخصا این نظارت را در سراسر کشور اعمال کند بلکه تکلیفی که قانون اساسی به عهده رییس جمهور گذاشته است ایجاب می‌کند که نهاد ریاست جمهوری

سازمانی مجهز در این خصوص داشته باشد تا در صورت اتخاذ تصمیمات خلاف قانون اساسی توسط مقامات عالی‌رتبه کشور فوراً رییس‌جمهور را در جریان بگذارد (مدنی، ۱۳۸۴: ۳۰۸).

در مجموع نظریات تفسیری شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ قانون اساسی متضمن شناسایی مسئولیت عام رئیس‌جمهور برای صیانت از قانون اساسی در برابر نقض، تخلف و عدم اجرای قانون اساسی است. اشاره به نهادهای نظامی قرینه‌ای است بر اینکه حتی دستگاه‌های زیر نظر مقام رهبری مشمول نظارت قانون اساسی رئیس‌جمهور می‌باشند. از نظریات تفسیری شورای نگهبان مستفاد نمی‌شود که مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رئیس‌جمهور فقط در حوزه قوه مجریه است بلکه این مسئولیت می‌تواند در قالب نظارت بر قوه قضائیه و حتی قوه مقننه - جز در مورد تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی که انجام آن در صلاحیت شورای نگهبان است - و سایر مجریان قانون اساسی نظیر نیروهای نظامی اعمال گردد و رئیس‌جمهور می‌تواند از مقامات و نهادهای مسئول توضیح بخواهد، به آنان تذکر و اخطار دهد، اقدامات لازم را معمول دارد و آنان موظف به پاسخگویی به رییس‌جمهور می‌باشند. مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی در نظریات شورای نگهبان در مقام نظارت بر اساسی بودن مصوبات مجلس دارای ابهاماتی است.

۲-۲. در نظریات شورای نگهبان در مقام دادرسی قانون اساسی

درباره مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رییس‌جمهور تاکنون یک طرح و یک لایحه در مجلس شورای اسلامی تصویب شده‌اند اما فقط یک مورد آنها به تأیید نهایی شورای نگهبان رسیده است. تحلیل نقطه نظرات شورای نگهبان در مقام بررسی اساسی بودن این مصوبات به آشکار شدن دیدگاه شورای نگهبان در خصوص مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ قانون اساسی کمک می‌کند.

الف) طرح قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ یعنی در دوره حکومت قانون اساسی مصوب

سال ۱۳۵۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت. فصل دوم این قانون به مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی مربوط است. ماده ۱۳ این قانون مقرر می‌دارد: "به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی است". این ماده قانونی بدون هیچ‌گونه ایرادی توسط شورای نگهبان تایید گردید. ماده ۱۵ قانون مذکور که مطابق آن به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور دارای حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور است نیز مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت. تایید این ماده به معنای موافقت شورای نگهبان با نظارت رئیس جمهور بر قوای سه‌گانه در مقام مسئول اجرای قانون اساسی است. ایرادات شورای نگهبان به این طرح نیز حائز اهمیت است. در ایراد شورای نگهبان به ماده ۱۷ مصوبه مجلس که در مقام تعیین شیوه برخورد رئیس جمهور با توقف یا عدم اجرای قانون اساسی بوده است آمده است: "مستفاد از قانون اساسی این است که رئیس جمهور در مورد توقف یا عدم اجرای قانون اساسی به هر نحو مقتضی بداند عمل می‌نماید و حصر مذکور در این ماده مغایر با قانون اساسی است" (مهرپور، ۱۳۸۷: ۸۱۶). در واقع دادرسی اساسی اعتقاد داشت که نباید رئیس جمهور را در مقام مسئولیت اجرای قانون اساسی به استفاده از سازوکارهای خاص محدود کرد زیرا محدود کردن اختیارات ریاست جمهوری در زمینه اجرای قانون اساسی مخالف اقتضائات این مسئولیت در قانون اساسی است. همچنین شورای نگهبان ماده ۲۰ این مصوبه را که رئیس جمهور را به ارائه آمار یکساله موارد توقف، عدم اجرا، نقض و تخلف از قانون اساسی به همراه تصمیمات متخذه به مجلس شورای اسلامی موظف می‌نمود به دلیل الزام رئیس جمهور بر اقدام مذکور مغایر با قانون اساسی اعلام کرد (همان). با عنایت به تایید این قانون توسط شورای نگهبان می‌توان گفت که رئیس جمهور مسئول اجرای کلیت قانون اساسی است، بر قوای سه‌گانه نظارت دارد و در این خصوص دارای اختیاراتی است که نمی‌توان آنها را محدود کرد. البته اعلام نظر شورای نگهبان مبنی بر غیراساسی بودن الزام رییس جمهور به ارائه آمار سالانه عملکرد خویش به مجلس قابل تأمل است زیرا رییس جمهور به

استناد اصل ۱۲۲ قانون اساسی در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی عهده دار است در برابر ملت و رهبر و مجلس مسئول می‌باشد.^۴

ب) لایحه اصلاح موادی از قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و برای تطبیق با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در اظهار نظر خویش در خصوص این لایحه نظریات نسبتاً متفاوتی را در مقایسه با نظریات قبلی خویش در مقام دادرس اساسی ابراز داشته است. در قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵ "حق اخطار و تذکر به قوای سه گانه" و "حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم" برای رئیس جمهور شناسایی شده بودند اما شورای نگهبان به لایحه اخیر ایراداتی گرفت که نافی برخی از این حقوق و کیفیت اعمال آنها بوده است. ماده یک لایحه اصلاح موادی از قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری مقرر می‌داشت: "متن ذیل به ماده ۱۳^۵ اضافه می‌شود: رئیس جمهور می‌تواند وظایف مربوط به نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری و بررسی را از طریق هیاتی متشکل از افراد صاحب نظر در امور حقوقی و اجرایی به نام "هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی" انجام دهد. کلیه دستگاه‌های حکومتی موظفند با هیات منصوب از سوی رئیس جمهور همکاری لازم را نموده و به مکاتبات هیات در ارتباط با قانون اساسی و چگونگی اجرا یا نقض آن در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول، پاسخ لازم را همراه با توضیحات کافی، ارائه و کلیه اطلاعات، اسناد و مدارک درخواست شده را در اختیار قرار دهند و امکان بازرسی را فراهم نمایند. تبصره: متخلف جهت پیگرد قانونی به مراجع صالح معرفی می‌شود و در صورت اثبات تخلف به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد". شورای نگهبان ایرادات ذیل را به ماده یک لایحه وارد نمود: "الف- در مواردی که رهبری در دستگاه‌های زیر نظر خود اعمال ولایت نموده باشند دادن اختیارات نظارت و کسب اطلاع و... به رئیس جمهور نسبت به آن

خلاف شرع شناخته شد. ب- عموم عبارت کلیه دستگاه‌های حکومتی نسبت به دستگاه‌هایی که به نص قانون اساسی یا با اعمال اختیارات موضوع اصل ۵۷ قانون اساسی مستقیماً زیر نظر مقام معظم رهبری می‌باشند مغایر اصول قانون اساسی از جمله ۵۷، ۱۱۰، ۱۱۳ و ۱۷۵ شناخته شد.^۶ ج- شمول دستگاه‌های حکومتی، در مورد خبرنگاران رهبری و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای داده است نسبت به تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و مسئولیت، خلاف اصول مربوط قانون اساسی از جمله ۷۱، ۷۳، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲ و ۱۵۶ شناخته شد. ه- عموم عبارت کلیه دستگاه‌ها شامل دستگاهی می‌شود که در قانون اساسی مرجع تشخیص مغایرت با اصول قانون اساسی تعیین شده است لذا از این جهت مغایر اصول ۹۴، ۹۶، ۹۸ قانون اساسی شناخته شد" (شورای نگهبان، ۱۳۸۶: ۲۴۴). ماده ۲ طرح مذکور مقرر می‌داشت: "ماده ۱۴ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود: ماده ۱۴- در صورت توقف، نقض یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده برخلاف قانون اساسی، مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار گردد، مقام مسئول موظف است در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ خود را مشروحا و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند، در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس جمهور، توقف یا نقض یا عدم اجرا ثابت باشد، رئیس جمهور نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام لازم را معمول و از جمله دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده برخلاف قانون اساسی را صادر می‌نماید و پرونده امر برای تعقیب متخلف به مراجع صالح اداری و قضایی ارسال می‌دارد. متخلف برای بار اول یک تا سه سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود". شورای نگهبان در اظهار نظر خود در خصوص این ماده که قواعد مذکور در ماده ۱۴^۷ قانون مصوب ۱۳۶۵ را

تکمیل می‌کرد بیان داشت: "۳- ماده دو، الف- صدور دستور توقف در خصوص تصمیمات و اقداماتی که مطابق قانون اساسی مرجع تشخیص مشخص دارد خلاف اصول متعدد قانون اساسی من جمله اصول ۷۱، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۶، ۱۱۲، ۱۷۵ شناخته شد و نیز عبارت "در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی" همان ایرادات شرعی و قانون اساسی جزءهای الف، ب، د، ه، بند ۱ را دارد (همان: ۲۴۴-۲۴۵). ماده ۳ طرح مذکور مقرر می‌داشت: "ماده ۱۵ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۵- به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند در صورت احراز تخلف به هر یک از قوای مقننه و قضائیه و مجریه و نهادهای حکومتی و قوای سه گانه تذکر و اخطار دهد. ترتیب اثر ندادن به تذکر و اخطار رئیس جمهور، می‌تواند به اقدامات مذکور در ماده ۱۴ این قانون و تبصره ۱ آن منجر شود". شورا در ایراد به این ماده بیان می‌دارد: "۷- ماده سه، الف- این ماده ایرادات جزءهای (الف، ب، د، ه) بند ۱ و بندهای ۳ و ۴ را دارد. ۱۰- عموم و اطلاق ماده ۲ و تبصره ۱ آن و ماده ۳ موجب معتبر دانستن برداشت رئیس جمهور از قانون اساسی در موارد اختلاف است لذا از این جهت مغایر اصل ۹۸ قانون اساسی شناخته شد" (همان). به دلیل پافشاری شورای نگهبان بر نظریات خویش مبنی بر مغایرت مصوبات مجلس در خصوص لایحه اصلاح موادی از قانون حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های رییس جمهور با شرع و قانون اساسی، آقای خاتمی رییس جمهور وقت لایحه پیشنهادی دولت را از مجلس مسترد کرد تا احیانا با تغییر قوانین پیشین مصوب مجلس در حوزه مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور، موقعیت ریاست جمهوری تضعیف نگردد (مهرپور، ۱۳۸۴: ۳۳۱-۳۳۲). در سایر نظریات شورای نگهبان در خصوص اصل ۱۱۳ قانون اساسی نیز برداشت‌های متفاوتی از مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رییس جمهور ارائه شده است.

۲-۳. در سایر نظریات شورای نگهبان

الف) آقای میرحسین موسوی نخست وزیر وقت زمانی که لایحه اراضی شهری

مصوب ۱۳۶۶/۲/۸ مجلس شورای اسلامی هنوز توسط شورای نگهبان بررسی نشده بود، طی بخشنامه ای به وزارتخانه ها و موسسات دولتی و نهادهای انقلابی اعلام کرد که تا پایان رسیدگی و اعلام نظر شورای نگهبان از هر گونه اقدام مغایر لایحه مزبور با جدیت جلوگیری کنند. شورای نگهبان در مقام صیانت از قانون اساسی با ارسال نامه شماره ۸۰۹۷ مورخ ۱۳۶۶/۲/۹ از آیت اله خامنه ای رئیس جمهور وقت تقاضا نمود که با توجه به مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه از اجرای این بخشنامه جلوگیری نماید (شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۴۷۵). شورای نگهبان در این نامه خطاب به مقام ریاست جمهوری به مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور علاوه بر ریاست قوه مجریه استناد کرده است و برای رئیس جمهور در مقام مسئول اجرای قانون اساسی این حق را قائل شده است که بر تصویب بخشنامه ها از آن جهت که ممکن است با قانون اساسی مغایرت داشته باشند نظارت کند. استناد شورا به مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور برای جلوگیری از اجرای بخشنامه مغایر با قوانین موید قابلیت اجرایی گسترده این مسئولیت است زیرا رئیس جمهور در مقام ریاست قوه مجریه به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ می‌توانست تصویب نامه ها و آیین نامه‌های هیات وزیران را که برخلاف قوانین می‌دانست با ذکر دلیل به هیات وزیران ارجاع دهد.

ب) شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۶ در واکنش به انتصاب رئیس سازمان بازرسی کل کشور به مسئولیت بازرسی انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی توسط آقای اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت طی نامه شماره ۷۵/۲۱/۱۴۰۷ خطاب به مقام ریاست جمهوری این اقدام وی را مغایر قانون اساسی و قوانین عادی می‌داند و از رئیس جمهور خواستار تجدید نظر می‌شود. رئیس جمهور در توجیه اقدام خویش به مسئولیت خود در اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۵ قانون حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ و نظریه تفسیری شورای نگهبان استناد می‌کند. شورای نگهبان در مقام پاسخ بیان می‌نماید: "ضمنا اصل ۱۱۳ نیز مربوط به جایی است که اصلی از اصول قانون اساسی یا به کلی اجرا نشده باشد یا متوقف شده باشد در اینجا وظیفه ریاست جمهور است که از مقامات مسئول بخواهد

آن اصل را اعمال کنند و آن هم به مسائلی از قبیل انتخابات مربوط نمی‌باشد" (همان: ۴۸۴-۴۸۶). شورای نگهبان در این اظهار نظر خویش دایره مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور را کاهش داده است زیرا مسئولیت رییس جمهور را به اجرای اصول به کلی اجرا نشده یا متوقف شده محدود می‌داند.

ج) آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور در تاریخ ۸۹/۳/۱۷ در نامه ای خطاب به دبیر شورای نگهبان تعدادی از مصوبات مجلس را مغایر قانون اساسی اعلام می‌کند. دبیر شورای نگهبان در پاسخ به این نامه بیان می‌دارد: "همانگونه که جنابعالی به درستی در نامه خود مرقوم کرده‌اید مرجع تشخیص خلاف شرع و یا خلاف قانون اساسی بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان است که این شورا نیز بر اساس قانون اساسی و آیین نامه داخلی خود در انجام این وظیفه قانونی دقت لازم و کافی را معمول داشته است اما یادآور می‌شود که پس از تشخیص این شورا و طی مراحل نهایی، سایر مقامات و نهادها وظیفه‌ای جز اجرای قانون و رعایت آن ندارند. در خصوص مسئولیت اجرای قانون اساسی موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی، این شورا در گذشته نظراتی داشته که توجه حضرتعالی را به نظرات مذکور جلب می‌نماید. در بخشی از این نظرات که در سال ۱۳۷۷ اعلام شده آمده است دایره اصل ۱۱۳ تنها مربوط به مواردی است که اصلی از اصول قانون اساسی به کلی زمین مانده باشد، مثل اصل هشتم قانون اساسی درباره امر به معروف و نهی از منکر. علاوه بر اینکه تفسیر از اصل ۱۱۳ قانون اساسی این نیست که رئیس جمهور محترم بتواند در مصادیق و جزئیات وظایف و اختیارات مسئولان مختلف نظام دخالت کند" (جتی، ۱۳۸۹). دبیر شورای نگهبان در این نامه چکیده ای از نظریات پیشین شورای نگهبان را به رییس جمهور یادآوری کرده است.

د) تازه‌ترین اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور در حالی صورت گرفت که پس از بروز اختلاف نظرهای متعدد بین مجلس هشتم و دولت دهم در سال ۱۳۸۹ مقام معظم رهبری شورای نگهبان را مامور بررسی موضوع و ارائه راهکار مناسب جهت حل آنها کرد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۲۹ راهکارهایی را در مقام مشاوره به رهبری ارائه نمود که در بخشی از آنها بیان می‌دارد: "رئیس جمهور حق دارد راجع به نقض اصول قانون اساسی از طرف سایر

قوا، سؤال کند، تذکر دهد و پیگیری نماید" (کدخدایی، ۱۳۹۱). این نظریه شورا عدول نسبی از برخی ایراداتی است که توسط شورای نگهبان بر لایحه اصلاح قانون حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۲ وارد شده بود و نوعی بازگشت به نظریات شورا از اصل ۱۱۳ قانون اساسی در مقام مفسر یا دادرس اساسی در پیش از بازنگری قانون اساسی است. نظریه اخیر شورای نگهبان عموم مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور را می‌پذیرد و تاییدی است بر اینکه احکام مندرج در قانون مصوب ۱۳۶۵ همچنان معتبر می‌باشند. با عنایت به نظریات متفاوت شورای نگهبان درباره مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور، نظریات متفاوتی توسط حقوقدانان درباره مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی ابراز شده‌اند.

۳. مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی در نظریات حقوقدانان

نظریات حقوقدانان درباره مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی را می‌توان به نظریه مسئولیت گسترده، نظریه مسئولیت محدود و نهایتاً نظریه منتخب تقسیم کرد.

۳-۱. نظریه مسئولیت گسترده

مطابق نظریه مسئولیت گسترده، مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی عام و شامل مراقبت بر اجرای قانون اساسی در تمام دستگاه‌های حکومتی است و توسط اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود نیز تخصیص نخورده است. در نظریه هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در خصوص نظریات شورای نگهبان درباره مغایرت مفاد لایحه اصلاح قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری با قانون اساسی می‌توان دلیل اصلی این نظریه را دریافت. به نظر هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مغایر دانستن عموم عبارت "کلیه دستگاه‌های حکومتی" با اصل ۱۱۳ قانون اساسی ظاهراً مبتنی بر این برداشت است که قید "جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" در ذیل اصل ۱۱۳ هم به عنوان ریاست قوه مجریه و هم به مسئولیت اجرای قانون اساسی بر می‌گردد در حالی که از قواعد پذیرفته شده در علم اصول این است که "استثنا متعاقب

جمله به جمله آخر باز می‌گردد نه به جمله‌های دیگر مگر در صورت وجود قرینه خلاف" که در اینجا نه تنها قرینه ای خلاف آن نیست بلکه تعبیر اصل ۶۰ قانون اساسی و بی معنی بودن ارجاع این قید به جمله اول اصل یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری، قرینه ای بر لزوم ارجاع قید مزبور به جمله اخیر یعنی ریاست قوه مجریه است (مهرپور، ۱۳۸۴: ۳۲۷). لذا تصمیماتی که از ناحیه مقامات عالیه کشور مانند نهاد رهبری، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مراجع عالی قضایی نظیر دیوان عالی کشور اتخاذ می‌شوند نیز مشمول مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور می‌باشند (همان: ۳۰۸). ایراد مهم این نظریه این است که مقام رهبری یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور را تحت نظارت رئیس جمهور یعنی دومین مقام رسمی کشور قرار می‌دهد. این نظریه با لحاظ جایگاه رهبری و جایگاه ریاست جمهوری در قانون اساسی قابل توجیه نیست. به علاوه، قاعده اصولی مذکور در دلایل قایلین شمول مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور به اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود دارای ایراد جدی است. تفسیر لفظی اصل ۱۱۳ قانون اساسی موید این نکته است که مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور کلیت قانون اساسی را شامل نمی‌شود بلکه مخصص اخیر اصل ۱۱۳ قانون اساسی یعنی عبارت "جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" مسئولیت اجرای قانون اساسی را نیز تخصیص می‌زند. اصل ۱۱۳ قانون اساسی در واقع مرکب از چند جمله است. مطابق جمله صدر اصل "پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است". جمله ذیل اصل مقرر می‌دارد: {رئیس جمهور} "مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد". جمله ذیل اصل ۱۱۳ قانون اساسی نیز به این دلیل که هم مسئولیت اجرای قانون اساسی و هم ریاست قوه مجریه را بر عهده رئیس جمهور قرار داده است در واقع مرکب از دو جمله و یک مخصص است. براساس یک قاعده اصولی جایی که موضوع در جملات متعدد و متعاقب، یک چیز باشد و تکرار نشود و فقط در صدر کلام ذکر گردد ظهور در این دارد که استثنا به همه جملات بر می‌گردد اما جایی که ذکر موضوع در هر جمله متکرر است ظهور در این دارد که استثنا به جمله اخیر باز می‌گردد (خویی، ۱۴۱۷: ۳۰۷-).

۳۰۹؛ مظفر، ۱۳۸۴: ۲۸۳؛ نایینی، ۱۳۶۸: ۴۹۶-۴۹۷؛ نایینی، ۱۴۱۷: ۵۵۴-۵۵۵). موضوع در اصل ۱۱۳ قانون اساسی متکرر نیست و فقط در صدر اصل ذکر شده است. لذا با توجه به قاعده اصولی مذکور باید پذیرفت که علاوه بر تخصیص ریاست رئیس جمهور بر قوه مجریه با "جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود"، مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور نیز با "جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" تخصیص خورده است. این شیوه بیان قواعد حقوقی در سایر اصول قانون اساسی نیز دارای سابقه است. مثلاً در اصل ۲۰ قانون اساسی^۱ قید "با رعایت موازین اسلام" به همه جملات و احکام مندرج در آن اصل بر می‌گردد. نکته مهم این است که این بحث در جایی مطرح می‌شود که همه جملات صلاحیت تخصیص یافتن را داشته باشند ولی چنانچه بعضی از آنها صلاحیت تخصیص یافتن را نداشته باشند در خصوص آنها بحثی نیست (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۷). لذا بی‌معنی بودن ارجاع استثنای ذیل اصل ۱۱۳ قانون اساسی به جمله صدر آن یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری بودن ایرادی نیست زیرا جمله صدر اصل ۱۱۳ صلاحیت تخصیص یافتن ندارد. به علاوه، اگر عبارت "مسئولیت اجرای قانون اساسی" به کل عبارت "ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" عطف شده باشد یعنی استثناً را مخصص عبارت معطوف به یعنی "مسئولیت اجرای قانون اساسی" ندانیم، با حذف عبارت معطوف، عبارت معطوف به، بدون وجود حرف "را" فاقد صحت ادبی است. نکته اخیر دلیل قایلین به نظریه مسئولیت محدود اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸: ۳۱۸) نیز قرار گرفته است.

۲-۳. نظریه مسئولیت محدود

مطابق نظریه مسئولیت محدود، مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی به اجرای قانون اساسی در قوه مجریه که تحت ریاست وی قرار دارد منحصر است و اجرای قانون اساسی توسط سایر قوا و توسط بخش‌هایی از قوه مجریه که ریاست آنها بر عهده رهبری است را شامل نمی‌شود (همان). آقای دکتر محسن اسماعیلی از

حقوقدانان شورای نگهبان در این خصوص بیان می‌نمایند: بی شک مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور در حوزه ریاستش بر قوه مجریه پذیرفتنی است نه در همه قوا زیرا رئیس جمهور ابزار و ضمانت اجراهای لازم برای اجرای قانون اساسی در سایر قوا را در اختیار ندارد. حداقل ابزار لازم در این خصوص نظارت بر عملکرد قواست که در قانون اساسی به ویژه پس از بازنگری سال ۱۳۶۸ برای وی پیش بینی نشده است و دخالت و اقدام عملی وی در حیطه سایر قوا نیز چنان با استقلال قوا منافات دارد که با هیچ توجیهی قابل چشم پوشی نیست (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۶). مطابق این نظریه، مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور در ذیل ریاست وی بر قوه مجریه قرار می‌گیرد و رئیس جمهور مراقب و ناظر بر اعمال قوه مجریه است تا قانون اساسی در حوزه‌هایی که به قوه مجریه مربوط می‌شود به درستی اجرا شود و از آن تخطی و تجاوز نشود. این نظریه توسط آیت الله محمد یزدی رئیس قوه قضاییه وقت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی نیز بیان شده است زیرا ایشان مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور که پیش از بیان ریاست وی بر قوه مجریه ذکر شده است را به معنای عهده دار بودن اجرائیات قانون اساسی می‌داند. به نظر می‌رسد که منظور رئیس قوه قضاییه وقت از اجرائیات قانون اساسی وظایفی است که در قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور از آن حیث که رئیس قوه مجریه است نهاده شده است (دولت رفتار حقیقی، ۱۳۸۵: ۵۰). در این راستا برخی از نویسندگان معتقدند: "اصل ۱۱۳ قانون اساسی که رئیس جمهور را مسئول اجرای قانون اساسی می‌داند به این معناست که وی باید از وظایف قانونی خویش تجاوز نکند" (کعبی، ۱۳۸۴: ۷۰).

به نظر می‌رسد که نظریات شورای نگهبان در مقام بررسی اساسی بودن لایحه دولت آقای خاتمی اندیشه تغییر در نظریات پیشین شورای نگهبان را برای برخی از صاحب نظران تقویت کرده اند که این تغییر را به بازنگری سال ۱۳۶۸ در قانون اساسی و حذف مسئولیت تنظیم روابط قوای سه گانه از مسئولیت‌های رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ قانون اساسی و واگذاری آن به رهبری نیز مربوط می‌دانند (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۷). مطابق این نظریه "نهایت برداشت از اصل ۱۱۳ قانون اساسی این است که رئیس جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی در قوه مجریه و در محدوده ریاست خود را دارا

است و نه نسبت به سایر قوا" (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸: ۳۱۶) و در واقع رئیس جمهور مسئول اجرای بخش‌هایی از قانون اساسی نه کلیت آن است. به عبارت دیگر، مسئولیت اجرای قانون اساسی در اصل ۱۱۳ قانون اساسی صرفاً تذکری به رئیس جمهور است که وی در حوزه ریاست خویش بر قوه مجریه مسئول اجرای قانون اساسی است. بر اساس این نظریه قواعد مذکور در قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور که برای رئیس جمهور حق تذکر و اخطار به سایر قوا را شناسایی می‌کنند نیز با بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نسخ ضمنی شده‌اند. لذا نقض اصل استقلال قوا در صورت شناسایی مسئولیت اجرای قانون اساسی در سایر قوا برای رئیس جمهور و فقدان اختیارات لازم برای وی جهت انجام مسئولیت اجرای قانون اساسی در سایر قوا به دلیل نسخ ضمنی بسیاری از قواعد مذکور در قانون عادی مصوب سال ۱۳۶۵ و حذف مسئولیت تنظیم روابط قوای سه‌گانه برای رئیس جمهور در بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ دلایل اصلی طرفداران نظریه مسئولیت محدود رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی می‌باشند.

پذیرش نظریه مسئولیت محدود رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی با این ایراد مواجه است که عنوان رئیس جمهور در قانون اساسی را عنوانی لغو و بی‌فایده می‌کند زیرا مطابق این نظریه متصدی مقام ریاست جمهوری دارای شانی بالاتر از ریاست قوه مجریه نیست و مقامی هم‌تراز با ریاست قوه مقننه و ریاست قوه قضائیه است. مطابق این دیدگاه شناسایی عالی‌ترین مقام رسمی پس از رهبری برای رئیس جمهور فاقد نتیجه عملی می‌گردد و سوگند وی در پاسداری از قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی بی‌معنی می‌شود. به علاوه، با توجه به اینکه وظایف و اختیارات رئیس جمهور در اصول متعددی از قانون اساسی ذکر شده‌اند، تکرار مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ قانون اساسی کاری بیهوده می‌باشد و حال آنکه قانونگذار خردمند کار بیهوده نمی‌کند. در صورت صحت این نظریه قانونگذار اساسی می‌بایست بر مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط سایر مقامات و نهادهای اساسی مانند مقام رهبری، رئیس قوه قضائیه، رئیس قوه مقننه، مجلس خبرگان رهبری و شورای نگهبان نیز تصریح نماید زیرا این مقامات و نهادها نیز مسئول اجرای قانون

اساسی در حوزه وظایف و اختیارات خویش می‌باشند. حتی مردم عادی نیز مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشند. دلیلی ندارد که قانونگذار اساسی فقط به یک مقام که عالی‌ترین مقام رسمی کشور نیز نیست مسئولیت اجرای قانون اساسی را تذکر دهد.

واقعیت این است که مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس جمهور دارای شانی پایین‌تر از مقام رهبری و بالاتر از مقامات دیگر است که این جایگاه پیش‌بینی مسئولیت اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور را توجیه می‌کند. لذا وی مطابق اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند یاد می‌نماید تا پاسدار قانون اساسی باشد که این سوگند پاسداری از قانون اساسی عام است و به اجرای قانون اساسی در قوه مجریه مقید نشده است. فقدان اختیارات لازم برای رئیس جمهور جهت انجام مسئولیت اجرای قانون اساسی را می‌توان از کاستی‌های قوانین اساسی و عادی دانست که باید توسط مقنن رفع گردد اما تأثیری بر اصل شناسایی و بقای مسئولیت اجرای قانون اساسی ندارد. نسخ ضمنی قواعد مذکور در قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ نیز نیازمند دلیل است. اختیارات رئیس جمهور در قانون مصوب سال ۱۳۶۵ تحت عنوان "مسئولیت اجرای قانون اساسی" و نه عنوان "مسئولیت تنظیم روابط قوای سه‌گانه" ذکر شده‌اند که مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور همچنان در متن کنونی قانون اساسی باقی است. قانونگذار اساسی سال ۱۳۶۸ می‌توانست مسئولیت اجرای قانون اساسی را همانند مسئولیت تنظیم روابط قوای سه‌گانه از مسئولیت‌های رئیس جمهور حذف نماید یا حداقل آن را به قوه مجریه محدود کند در حالی که هیچ تغییری در این مسئولیت داده نشده است (مهرپور، ۱۳۷۷: ۴). به عبارت دیگر، با توجه به اینکه در بازنگری سال ۱۳۶۸ قانون اساسی مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی همچنان باقی مانده است اختیارات رئیس جمهور مندرج در قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری که قبل از بازنگری سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده‌اند همچنان معتبر می‌باشند (دولت رفتار حقیقی، ۱۳۸۵: ۴۶). صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی حاکی از اظهار نظر برخی از اعضای شورا مبنی بر حذف مسئولیت اجرای قانون اساسی از مسئولیت‌های رئیس جمهور است که مورد عنایت اعضای شورای بازنگری

قرار نگرفت (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۹: ۵۳۳) و مسئولیت اجرای قانون اساسی عالمانه و عامدانه همچنان در شمار مسئولیت‌های رئیس جمهور باقی ماند. به عبارت دیگر قانونگذار اساسی هنوز معتقد است که رئیس جمهور دارای شانی برتر از روسای سایر قوا است و به تبع این موقعیت مسئول اجرای قانون اساسی است. رئیس جمهور نه صرفاً به عنوان رییس یکی از قوای سه‌گانه یعنی قوه مجریه بلکه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری، مسئول اجرای قانون اساسی است و بر کار دو قوه دیگر نظارت دارد که از اصول قانون اساسی تخطی صورت نگیرد (مهرپور، ۱۳۷۷: ۴). در صورت نظر قانونگذار اساسی بر محدودیت دایره مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور می‌بایست در مفاد سوگند ریاست جمهوری در اصل ۱۲۱ قانون اساسی نیز تغییر ایجاد می‌شد تا رییس جمهور بر پاسداری از کلیت قانون اساسی سوگند یاد نکند.

این استدلال که در صورت مسئولیت رییس جمهور در قبال اجرای قانون اساسی در سایر قوا اصل استقلال قوا نقض می‌شود قابل‌خداشه است زیرا استقلال قوای سه‌گانه در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ نیز وجود داشت. مسئولیت اجرای قانون اساسی یک سمت جدایی است که قانون اساسی به رییس جمهوری داده است تا به عنوان فردی که منتخب مستقیم مردم و مظهر حاکمیت ملت است پاسدار قانون اساسی در اندام سیاسی و اداری کشور باشد (هاشمی: نقل در مهرپور، ۱۳۸۰: ۱۷۸). انجام این وظیفه در ارتباط با قوای مقننه و قضاییه تداخل قوه مجریه در قوای دیگر و منافی با اصل تفکیک قوا محسوب نمی‌شود (همان: ۴۷). مسئولیت اجرای قانون اساسی وظیفه‌ای است که قانون اساسی مستقلاً بر عهده رییس جمهور نهاده است و اعتلای ریاست جمهوری بر سایر قوا چیزی شبیه اعتلای رهبری است و همان صبغه را دارد و جمله پس از مقام رهبری حاوی همین مفهوم است (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۲۳). به علاوه، سیستم تفکیک سخت قوا که می‌توانست مبنایی برای استدلال برخی افراد باشد که برای انکار مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور به آن استناد کنند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته نشده است. تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران به استناد اصول متعدد قانون اساسی (نک. اصول ۷۶، ۷۹، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۵۸،

۱۶۰، ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون اساسی) نرم است. در تفکیک نرم قوا امکان نفوذ و اقتدار قوا روی یکدیگر وجود دارد که نمونه بارز آن حق نظارتی است که قوای مقننه و قضائیه بر قوه مجریه دارند. اگر اصل ۵۷ قانون اساسی^۹ اعلام می‌دارد که "این قوا مستقل از یکدیگرند" منظور استقلال و انحصار در انجام وظیفه است نه نفی نظارت آنها بر یکدیگر، حال که همه قوا و اعضای آن باید از قانون اساسی تبعیت کنند نظارت بر این تبعیت امر لازمی است و به هر حال فرد یا مقامی باید این وظیفه را بر عهده بگیرد (هاشمی، ۱۳۸۱: ۲۸۹). این نظریه که نهادهای زیر نظر رهبری از نظارت رییس جمهور خارج می‌باشند نیز مطابق با قانون اساسی نیست زیرا همه نهادها و قوا زیر نظر رهبری قرار دارند. پس سفسطه است که گفته شود نهادهای تحت نظر مستقیم رهبری از نظارت منصرف می‌باشند زیرا چه تفاوتی بین رئیس صدا و سیما و رئیس جمهور است که با تنفیذ رهبر اداره امور اجرایی را به دست می‌گیرند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۱۸). قانونگذار اساسی اعمال تمام قوای سه گانه را مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی تحت نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت قرار داده است اما سازوکارهای نظارتی قوا بر یکدیگر را نیز در اصول مختلف قانون اساسی تعیین کرده است. لذا نظریه دیگری را درباره مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور باید ارایه نمود.

۳-۳. نظریه منتخب

مطابق نظریه منتخب، رئیس جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. این نظریه توسط برخی از حقوقدانان (شعبانی، ۱۳۸۴: ۲۰۶) به صراحت بیان شده اما دلایل آن ارایه نشده است. دلیل اصلی این نظریه، استثنای "اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" از دایره مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور است. اما با پذیرش تخصیص مسئولیت اجرای قانون اساسی با قید "جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" نیز ابهام در مراد مقنن اساسی از مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور رفع نمی‌شود زیرا منظور از "اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود" شفاف نیست. به نظر می‌رسد که منظور از اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود اموری است که در

اصول قانون اساسی در شمار وظایف و اختیارات رهبری قرار گرفته اند و مقام رهبری آنها را **مباشرتا** انجام می‌دهد. موید این نظریه عقیده برخی از اصولیین (حیدری، ۱۴۱۲: ۱۴۱) در شبهه مفهومی در دوران امر بین اقل و اکثر در صورتی است که منحصص متصل، استثنا باشد زیرا معتقدند که در این صورت اجمال منحصص به حکم عام سرایت نمی‌کند و اصالت العموم باقی است. به عبارت دیگر، در این حالت باید قدر متیقن از خاص را از حکم عام خارج کرد و با اکتفا به قدر متیقن، حکم عام را در موارد وجود شبهه جاری دانست. قدر متیقن در اینجا تخصیص حکم عام مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور توسط اموری است که رهبری مباشرتا عهده دار است اما اینکه اموری که رهبری بدون مباشرت عهده دار است مشمول حکم خاص یا عام می‌باشند معلوم نیست. لذا به اقل یعنی خروج اموری که رهبری مباشرتا انجام می‌دهد (قدر متیقن) از دایره مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور باید اکتفا کرد و حکم عام (اصالت عموم) مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور را برای سایر امور یعنی اموری که رهبری مباشرتا عهده دار نیست باید جاری دانست. بنابراین، رئیس جمهور نمی‌تواند در خصوص اموری که رهبری به استناد اصول قانون اساسی مباشرتا انجام می‌دهد مسئولیت اجرای قانون اساسی را اعمال نماید اما می‌تواند بر دستگاه‌های قضایی و تقنینی و حتی بر دستگاه‌های اجرایی و نظامی زیر نظر رهبری نظارت کند و رعایت قانون اساسی در این دستگاه‌ها را رصد نماید. در تایید این استدلال می‌توان به شیوه نظارتی مقرر بر سازمان صدا و سیما در اصل ۱۷۵ قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱ شورای نگهبان اشاره کرد (شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۰). نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما از اختیارات مقام رهبری است اما قانون اساسی شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی را برای نظارت بر این سازمان پیش بینی نموده است. بدیهی است این نظارت نیز نافی نظارت قانون اساسی رئیس جمهور بر سازمان صدا و سیما نیست همچنان که مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قوانین توسط قوه قضائیه نافی مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور نیست. مطابق نظریه تفسیری

شماره ۴۲۱۴ شورای نگهبان رییس جمهور می‌تواند از مسئولان اجرایی، قضایی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و این مقامات باید توضیحات لازم را در اختیار رییس جمهور در مقام مسئول اجرای قانون اساسی بگذارند. بسیاری از این مجریان قانون اساسی مانند نیروهای نظامی و صدا و سیما زیر نظر مستقیم رهبری قرار دارند. ساز و کارهای متعدد و متنوع نظارتی بر مقامات می‌توانند در عرض یا طول یکدیگر قرار گیرند که این امر در تمام نظام‌های سیاسی رایج است. اگر قانونگذار اساسی مخالف نظارت رییس جمهور یا هر نهاد نظارتی دیگر مانند مجلس شورای اسلامی بر نهادهای زیر نظر رهبری می‌بود نمی‌بایست بر سازمان صدا و سیما چنین شیوه نظارتی را مقرر نماید یا نظارت مجلس شورای اسلامی در قالب اصل ۹۰ قانون اساسی را بر قوه قضاییه شناسایی کند. لذا رییس جمهور فاقد صلاحیت اعمال مسئولیت اجرای قانون اساسی در موضوعاتی مانند تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آنها، فرمان همه‌پرسی، فرماندهی کل قوا، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و قبول استعفای مقامات، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، حل معضلات نظام و عفو یا تخفیف مجازات محکومین است که به صورت مستقیم توسط رهبری انجام می‌شوند اما می‌تواند به همه نهادهایی که تحت نظارت مستقیم یا غیرمستقیم رهبری قرار دارند مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان صدا و سیما و نیروهای نظامی و انتظامی نظارت قانون اساسی داشته باشد و مسئولیت اجرای قانون اساسی را اعمال نماید. این نظریه با اصل تفکیک قوا مغایرت ندارد زیرا نظارت و مسئولیت رییس جمهور را می‌توان در قالب منطق تعادل قوا و مهار قدرت توسط قدرت ارزیابی کرد. مسئولیت اجرای قانون اساسی رییس جمهور می‌تواند به تقویت انسجام و همکاری قوا به منظور حرکت در مسیر مطلوب قانونگذار اساسی نیز منجر شود.

۴. نتیجه‌گیری

رییس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری، پاسدار مذهب رسمی

کشور و نظام جمهوری اسلامی است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد. مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور کلیت قانون اساسی به استثنای اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود را شامل می‌شود. منظور از امور مستقیماً مربوط به رهبری اموری است که مقام رهبری "مباشراً" انجام می‌دهد. لذا رئیس جمهور می‌تواند بر سایر قوا و تمام مقامات و نهادها اعم از دستگاه‌های زیر نظر مستقیم یا غیرمستقیم رهبری نظارت قانون اساسی کند. برخلاف برخی از نظریات شورای نگهبان در مقام دادرسی اساسی به نظر می‌رسد که رئیس جمهور حتی مسئول اجرای قانون اساسی توسط نهادهایی مانند شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام است. نظریات تفسیری شورای نگهبان با پذیرش امکان نظارت رئیس جمهور بر اجرای قانون اساسی توسط نیروهای نظامی عملاً اموری که رهبری مباشرتاً عهده دار نیست را مشمول مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور قرار می‌دهند. رئیس جمهور بر اجرای قانون اساسی نظارت می‌کند و دارای اختیاراتی مانند حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه، نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و انجام اقدامات لازم است. وی از حق تفسیر غیر رسمی قانون اساسی برخوردار است زیرا به تشخیص خویش باید موارد نقض یا تخلف و عدم اجرا یا توقف اصول قانون اساسی را احراز نماید. رئیس جمهور ناظر بر اجرای درست قانون اساسی است و مسئول است و هر مسئولی حق تفسیر و معنی کردن حکم را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۲۴). البته رئیس جمهور موظف است که از نظریات تفسیری شورای نگهبان تبعیت کند زیرا اصل ۹۸ قانون اساسی وظیفه تفسیر رسمی قانون اساسی را به شورای نگهبان واگذار کرده است. نظریات تفسیری شورای نگهبان در مقام اجرا بر رئیس جمهور تحمیل می‌شوند اما نمی‌توانند مانع اقدام رئیس جمهور در مقام صیانت از قانون اساسی شوند یعنی رئیس جمهور حتی می‌تواند به شورای نگهبان تذکر و اخطار دهد که در مقام دادرسی اساسی یا تفسیر اساسی اشتباه کرده است (هاشمی نقل در: مهرپور، ۱۳۸۰: ۱۷۹). اصل ۱۲۱ قانون اساسی نیز موید مسئولیت عام رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی است زیرا رئیس جمهور سوگند یاد می‌کند تا پاسدار کلیت قانون اساسی

باشد و در راه ایفای مسئولیت هایی که برعهده دارد همه استعداد و صلاحیت خویش را به کار گیرد. یکی از مسئولیت هایی که بر عهده رئیس جمهور است مسئولیت اجرای قانون اساسی است.

رئیس جمهور در مقام مسئول اجرای قانون اساسی دارای وظایف و اختیارات متنوعی است. وی اجرای بسیاری از اصول قانون اساسی را مباشرتاً عهده دار است. برخی از اصول قانون اساسی توسط نهادها و مقاماتی مانند وزیران که رئیس جمهور بر آنها دارای نظارت سلسله مراتبی است اجرا می شوند. لذا برای اجرای قانون اساسی در این حوزه ها رئیس جمهور دارای اختیارات جدی است. به منظور اجرای قانون اساسی در سایر حوزه ها مانند حوزه های قضایی، تقنینی و نظامی اختیارات رئیس جمهور کافی نیست. با وجود این، تاثیرگذاری تذکر یا اخطار قانون اساسی به این دسته از مقامات و نهادها را نباید نادیده گرفت. مطابق اصل ۱۲۲ قانون اساسی رئیس جمهور در حدود وظایف و اختیاراتی که داراست در برابر رهبر، مجلس شورای اسلامی و ملت پاسخگوست. لذا مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور اجرای قانون اساسی توسط تمام مقامات و دستگاه های حکومتی اعم از قوای سه گانه به جز مقام رهبری را شامل می شود و این مسئولیت به معنای وظیفه اجرای قانون اساسی و پاسخگویی در قبال اجرای آن است. به منظور انجام این مسئولیت، رئیس جمهور دارای وظایف و اختیارات قانونی است. با وجود این، مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور با دو مانع مهم مواجه است. اولاً، رئیس جمهور در مقام مسئول اجرای قانون اساسی در برابر بسیاری از مجریان قانون اساسی فاقد اختیارات مناسب است. ثانیاً، بسیاری از مقامات و نهادهای حکومتی با لحاظ برخی از نظریات شورای نگهبان مسئولیت اجرای قانون اساسی رئیس جمهور را در حوزه اقتدار خویش نمی پذیرند.

پی نوشت:

۱. اصل ۱۱۳ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ مقرر می داشت: "پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای

قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود برعهده دارد."

۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲، صص ۱۲۰۹-۱۲۱۰؛ صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۹۷۳-۹۸۰ و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۳، صص ۱۵۹۸-۱۵۹۹.

۳. اصل ۱۲۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگند نامه را امضاء می‌نماید. بسم الله الرحمن الرحيم "من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر و متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند متعال و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان اماتتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم". به نظر می‌رسد که این سوگند نامه با وظایف رییس جمهور در پیش نویس قانون اساسی همخوانی بیشتری دارد (دولت رفتار حقیقی، ۱۳۸۵: ۴۶).

۴. در مقام تایید این نظریه نک. بند ۷ متن حکم سید محمد خاتمی رییس جمهور وقت در مورد تشکیل هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در: مهرپور، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴.

۵. ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: "به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می باشد".

۶. ظاهراً شورای نگهبان در مقام بیان این نکته است که منظور از اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، اموری است که به دستگاه های زیر نظر رهبری نیز مربوط می شوند. لذا رییس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی در حوزه های مربوط به وظایف و اختیارات رهبری و دستگاه های زیر نظر رهبری نیست. این نظریه در ادامه مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۷. ماده ۱۴ قانون حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری مقرر می دارد: "در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رییس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می نماید و برای این منظور می تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رییس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رییس جمهور توقف یا عدم اجراء ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به نخست وزیر و وزراء باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می دهد و در غیر این صورت پرونده امر به مرجع صالح ارسال خواهد شد".

۸. اصل ۲۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند".
۹. اصل ۵۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند".

منابع

- ارشدی، علی یار (۱۳۸۲). حقوق اساسی و شرح و نقد قانون اساسی ایران. تهران: سرمدی.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۳). "نقش رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی". فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، ۲۴: صص ۲۵-۲۶.
- جنتی، احمد (۱۳۸۹). "منظور اصل ۱۱۳ قانون اساسی این نیست که رئیس جمهور در وظایف دیگران دخالت کند". خبر آنلاین، بازیابی شده در ۲۳ خرداد ۱۳۸۹ از khabaronline.ir/news-68528.aspx
- حیدری، سید علی نقی (۱۴۱۲). اصول الاستنباط. تهران: شورای مدیریت حوزه علمیه قم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷). محاضرات فی الاصول، ج ۵. قم: انصاریان.
- دولت رفتار حقیقی، محمد رضا (۱۳۸۵). "جایگاه رئیس جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران". مجله حقوق عمومی، ۱. صص ۴۷-۵۰.
- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۴. (۱۳۶۸). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۴). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران. تهران: اطلاعات.

صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱-
 ۳. (۱۳۶۹). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای
 اسلامی.

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
 ج ۲. (۱۳۶۴). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای
 اسلامی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت، ج ۱. تهران: میزان.
 کدخدایی، عباسعلی. (۱۳۹۱). "پیشنهادات شورای نگهبان درباره اختلافات دولت و
 مجلس، تهران". مصاحبه، رجانیوز، بازیابی شده در ۱۷ تیر ۱۳۹۱ از
rajanews.com/detail.asp?id=70078
 کعبی، عباس (۱۳۸۴). ضمانت‌های اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قم:
 موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی
 به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۵۹ - ۱۳۸۰ (۱۳۸۱). تهران: مرکز تحقیقات
 شورای نگهبان.

مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره ششم
 (۱۳۸۶). تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان و دادگستر.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱). "لایحه تبیین اختیارات مسبوق به تصویب مجلس و
 تایید شورای نگهبان است". اطلاع رسانی حقوقی، سال اول، ۲. صص ۲۳.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۳). مبانی استنباط حقوق اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
 مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۴). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی
 ایران. تهران: پایدار.

مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۹). حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۵. تهران:
 سروش.

مظفر، محمد رضا (۱۳۸۴). اصول فقه، ج ۱. ترجمه محسن غروی‌ان. قم: دارالفکر.
 مهرپور، حسین (۱۳۸۷). مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۱. تهران: دادگستر.

مهرپور، حسین (۱۳۸۰). رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، ج ۱. تهران: اطلاعات.

مهرپور، حسین (۱۳۸۴). رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، ج ۲. تهران: اطلاعات.

مهرپور، حسین (۱۳۷۷). "مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و جایگاه هیات پی گیری و نظارت". مجله راهبرد، ۱۶- ۱۵. صص ۴.

نایینی، محمدحسین (۱۳۶۸). اجود التقریرات، ج ۲. قم: مصطفوی.

نایینی، محمدحسین (۱۴۱۷). فوائد الاصول، ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نجفی، مرتضی و محسنی، فرید (۱۳۸۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: الهدی.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲. تهران: میزان.